

خبر	
لازمه تمریخشی سازوکار تهران-مسقط چیست؟	
تنگه هرمز در آستانه نظم جدید	
تعیین سازوکار مدیریت تنگه هرمز و آینده عبور و مرور از این آبراهه به عنوان حق اساسی دو کشور ساحلی آن، در مراحل نهایی خود قرار دارد؛ با اعلام این تفاهم میان ایران و عمان، دو پرسش اساسی مطرح خواهد شد؛ چرا چنین طرحی در حال ترسیم است و تداوم آن منوط و مشروط به چه شرایطی خواهد بود؟	
به گزارش خبرنگار سیاست خارجی ایرنا، خبرها و گمانه‌ها از نزدیکی به تفاهم تازه‌ای درباره تنگه هرمز حکایت دارند. گمانه‌هایی که اظهارات رسمی مقامات ایران هم تا حدودی در حال تقویت آن‌هاست. کاظم غریب‌آبادی، معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه روز چهارشنبه ۱۴ مرداد در گفت‌وگو با خبرنگاری ایرنا از نزدیک شدن تفاهم ایران و عمان درباره ترتیبات جدید تردد کشتی‌های تجاری در تنگه هرمز به مرحله نهایی خبر داد و تأکید کرد که این تفاهم به معنای بازگشایی کامل تنگه هرمز نیست، بلکه مدلی جدید و متفاوت از رویه شصت‌ساله گذشته است که بخش قابل توجهی از مسیر عبوری کشتی‌ها را از آب‌های سرزمینی ایران عبور خواهد داد.	
بر اساس آنچه از سوی مقامات ایرانی درباره جزئیات این سازوکار، می‌دانیم گرچه محدودا می‌به این صورت است که دو کشور بر سر فرمولی که ورود کشتی‌ها به تنگه را از مسیر ایران و خروج آن‌ها را از مسیر عمان تعیین می‌کند؛ تفاهم کرده‌اند، در ساعات گذشته شماری از تحلیلگران و رسانه‌های خبری هم با استناد با منابع خود از نزدیک بودن اعلام دستیابی به توافق میان ایران و عمان خبر داده و در تحلیل‌هایی آن را مقدمه‌ای برای کاهش تنش و گفت‌وگو درباره آینده مذاکرات ایران و آمریکا ارزیابی می‌کنند.	
اینکه اما آیا تهران هم چنین ارزیابی از روند تحولات دارد یا نه؟ پرسشی است که به پیشنهاد سخنگوی وزارت امور خارجه برای رسیدن به پاسخ آن باید صبر کرد. در چنین قضایی، نگاهی به روند و چرایی شکل‌گیری این گفت‌وگوها از زمان تفاهم آتش‌بس ۲۸ خرداد تاکنون (و حتی پیش از آن) می‌تواند دلیل احتیاط تهران در قبال هرگونه نتیجه‌گیری زودهنگام درباره مسیر تعامل با واشنگتن را روشن‌تر کند.	
چرا تنگه هرمز به شرایط امروز رسید؟	
باز و بسته بودن تنگه هرمز تازه‌ترین مفهومی است که از نیم اسفند ماه سال گذشته (۲۸ فوریه) وارد ادبیات نظام بین‌الملل شد؛ روزی که حملات هوایی مشترک آمریکا و اسرائیل به اهداف نظامی و امنیتی ایران، منجر به شهادت رهبر و شماری از فرماندهان ارشد شد. جنگ آغاز شده بر مبنای هشدار پیشین ایران، در مرزهای کشور محدود ماند و همه سرزمین‌هایی را که در این درگیری به نوعی علیه ایران بودند، در بر گرفت. نیروهای مسلح ایران پایگاه‌های آمریکا در کشورهای همسایه و نیز اهدافی را در سرزمین‌های اشغالی مورد حمله قرار دادند و عبور شناورها از تنگه‌ها را متوقف کردند. تنگه هرمز ممنوع شد. ممنوعیتی که تهران به واسطه نقض حاکمیت سرزمینی خود و وجود تهدیدات امنیتی در جنوب خلیج فارس آن را حق خود در راستای دفاع مشروع برای حراست از تمامیت ارضی خود اعلام کرد.	
برای بسیاری از دولت‌ها و کشورها، تنگه هرمز به عنوان یکی از مهمترین آبراه‌های بین‌المللی، مسیر تردد هزاران کشتی تجاری و نفتکش‌های حامل انرژی بود. بسته شدن آن اما بسیاری از آن‌ها را در همه حوزه‌ها به ویژه اقتصاد و انرژی تحت تأثیرات شدید قرار داد. تداوم محدودیت در عبور و مرور کشتی‌های تجاری به واسطه حملات آمریکا، فشار مضاعفی بر رئیس‌جمهور آمریکا وارد و او را ابتدا وادار به درخواست آتش‌بس و سپس اعضای تفاهم اسلام‌آباد کرد. تفاهمی که پس از سه هفته به واسطه ماجراجویی آمریکا و برخی کشورهای منطقه در عبور از مسیری خلاف نظر ایران، سبب نقض تفاهم و آغاز دوباره درگیری‌ها و بازگشت محاصره دریای ایران از سوی آمریکا شد.	

		
با ورود جنگ رئیس‌جمهور آمریکا علیه ایران به ششمین ماه خود و موج تهدیدها و دیپلماسی در داخل و خارج، شاهد تنگ‌تر شدن حلقه محاصره‌ای که او در آن قرار دارد، هستیم و این درحالیست که رئیس‌جمهور ۸۱ ساله آمریکا تلاش می‌کند این کشور را از جنگی که در ابتدا ادعا می‌کرد فقط چند هفته طول خواهد کشید، خارج کند. به گزارش ایسنا، خبرنگاری روتنر در گزارشی به این بن بست باتلاق گونه‌ای که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا در آن گیر افتاده، اشاره کرد و نوشت: ترامپ بین یک توافق موقت در حال مذاکره با ایران و عمان که به تهران کنترل تنگه هرمز می‌دهد، یا پیروی از هشدارها در مورد تشدید شدید تنش که خطر یک بحران طولانی‌تر را به همراه دارد، گیر افتاده است. تحلیلگران می‌گویند گزینه نخست، اعطای بزرگترین امتیاز به ایران از زمان حمله ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به این کشور در ۲۸ فوریه و رسمیت بخشیدن به نظارت ایران بر این کانال حیاتی حمل و نقل نفت است که دولت ترامپ قول داده بود از آن جلوگیری کند. مسیر دوم که احتمالا موج جدیدی از حملات هوایی است، می‌تواند برای ترامپ پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای مهم ایالات متحده در ماه نوامبر، مملو از خطرات سیاسی باشد و این در حالیست که به باور بسیاری از کارشناسان، چنین کارزار حملات هوایی نمی‌تواند موفقیت چندان‌ی داشته باشد. ترامپ می‌تواند در عوض، وضعیت آشفته موجود را حفظ کند. این به معنای		

به گزارش خبرآنلاین، به نوشته رسانه‌ها امروز جمعه، ۱۶ مرداد ۱۴۰۵ (۷ اوت ۲۰۲۶)، شهر مکه مکرمه میزبان نشست تاریخی و سرنوشت‌ساز میان رهبران سه کشور مهم جهان اسلام بود. رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه، محمدبن سلمان ولیعهد عربستان سعودی و شهباز شریف نخست‌وزیر پاکستان، امروز یک توافق دفاعی سه‌جانبه مشترک را که «پیمان دفاعی مشترک مکه» نام گرفت، امضا کردند.

این رویداد با حضور ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش

پاکستان و هیئت‌های عالی‌رتبه نظامی همراه بود؛ سفر کاری یک‌روزه‌ای که برهان‌الدین دوران، رئیس اداره ارتباطات ریاست‌جمهوری ترکیه، آن را دیداری در بالاترین سطح توصیف کرده و دیپلمات‌های پاکستانی نیز تأکید دارند که اهمیت ابعاد آن فراتر از بحران‌های جاری خلیج فارس است.

پیمان مکه از کجا آمد؟

شکل‌گیری این پیمان سه‌جانبه که مذاکرات آن از سال گذشته در جریان بوده، معلول مستقیم تحولات شتابان نظامی و فرسایش شدید بازدارندگی سنتی در منطقه است. ریشه اصلی تصمیم به نهایی‌سازی این سند، به درگیری‌های نظامی اخیر و حملات اسرائیل و آمریکا به ایران و تبعات امنیتی بی‌سابقه‌ای که برای منطقه به همراه داشت بازمی‌گردد. پاسخ‌های موشکی و پهپادی گسترده به زیرساخت‌ها، پایگاه‌های نظامی آمریکا و تأسیسات کلیدی انرژی در منطقه، از جمله تأسیسات گازی رأس‌لفان قطر و مراکز در بحرین، تنگانه‌ای شدید به پایداری امنیتی کشورهای خلیج فارس وارد کرد. اختلال جدی در خطوط مواصلاتی، بسته شدن مقطعی تنگه هرمز و شکل‌گیری محاصره‌های عملی در حوزه دریانوردی، امنیت ترانزیت انرژی را با تهدید جدی مواجه ساخت.

عربستان سعودی با انسداد تنگه هرمز و تهدید انصالله یمن مبنی بر محاصره دریایی در تنگه باب‌المندب خود را به تبعات امنیتی بی‌سابقه‌ای که برای منطقه به همراه داشت بازمی‌گردد. پاسخ‌های موشکی ایران است؛ جنگی که توسط آمریکا آغاز شد اما برای جبران خسارات و آسیب‌های آن از سوی واشنگتن هیچ کمکی به عربستان سعودی نکرد.

در کنار این تحولات، تشدید مجدد درگیری‌ها در یمن و حملات به اماکن اقتصادی و بندری عربستان (از جمله در نجران)، ابعاد نامنی را برای ریاض دوجندان کرد. تحلیلگران سعودی پیش‌تر تأکید کرده بودند که ریاض در صورت ورود به جنگ ایران، می‌تواند پیمان دفاعی دوجانبه خود با پاکستان را فعال کند؛ اکنون اضافه شدن ترکیه ابعاد تازه‌ای به این معادله می‌دهد. در طول ۶ ماه گذشته پاکستان برای جلوگیری از اجبار به ورود به جنگی ناخواسته به نایب‌از عربستان سعودی، تلاش زیادی کرده‌است تا بتواند از طریق میانجی‌گری میان ایران و آمریکا به جنگ در منطقه پایان دهد.

محرك اصلی استراتژیک برای سران عربستان، «احساس نهایی امنیتی» و تعمیق بی‌اعتمادی نسبت به چتر حمایتی واشنگتن است. کشورهای خلیج فارس دریافته‌اند که ایالات متحده دیگر تمایلی به ورود مستقیم و پرهیزنه برای تضمین امنیت زیرساخت‌های انرژی منطقه ندارد. این خلاء امنیتی و ناکارآمدی چارچوب‌های سنتی، ریاض را بر آن داشت تا به جای اتکا صرف به قدرت‌های فرمانطقه‌ای، به سمت بومی‌سازی امنیت و خلق یک موازنه قدرت جدید حرکت کند. یکی از منابع آنکارا در گفت‌وگو با میبل ایست آی تأکید کرده است: «این توافق موازنه قدرت را در منطقه تغییر خواهد داد و در صورت اجرای موفقیت‌آمیز، ثبات و امنیت مردم این بخش از جهان را ارتقا می‌دهد».

هم‌افزایی سه مؤلفه راهبردی

هر یک از اعضای این پیمان سه جانبه یک ویژگی منحصر به فرد دارند که می‌توانند یکدیگر را تکمیل کنند. توافق مکه از لحاظ الگوی ساختاری، پیونددهنده

سه پایه متضاد اما مکمل از قدرت در جهان اسلام است که هر کدام دارای مزیت‌های منحصربه‌فردی هستند:

عربستان سعودی (تمکن مالی و ژئوپلیتیک): تنها اقتصاد عضو گروه ۲۰ در جهان عرب، بزرگ‌ترین صادرکننده انرژی و میزبان اماکن مقدس اسلامی (مکه و مدینه) که می‌تواند نقش تأمین‌کننده منابع مالی و زیرساختی پیمان را بر عهده بگیرد.

ترکیه (فناوری دفاعی و ساختار ناتو): سرزمینی استراتژیک در میان آسیا و اروپا، دارنده دومین ارتش بزرگ پیمان ناتو و قدرتی نوظهور در صنعت طراحی، ساخت و صادرات تجهیزات و تسلیحات پیشرفته نظامی (نظیر پهپادها و سامانه‌های پدافندی). پاکستان (توانمندی هسته‌ای و بازدارندگی): تنها کشور دارنده سلاح هسته‌ای در جهان اسلام و یکی از صادرکنندگان نوظهور تسلیحات که دارای ارتش و نیروی انسانی بسیار کارآزموده است.

به گفته منابع مطلع، این توافق شامل تمام همکاری‌های دفاعی میان سه کشور خواهد بود و تعهدات یا ائتلاف‌های پیشین اعضا (نظیر عضویت ترکیه در ناتو یا تعهدات پاکستان) را تضعیف یا درگروان نخواهد کرد.

این همکاری در واقع امتداد و تکامل روندها و پیمان‌های قبلی است. پیش از این، عربستان و پاکستان طی توافقی دوجانبه متعهد شده بودند که حمله به یکی به منزله حمله به دیگری است و اسلام‌آباد نیروهای نظامی و سامانه‌های پدافندی در خاک عربستان مستقر کرده بود. علاوه بر این، شکل‌گیری سازوکارهای چهارجانبه موسوم به F-R با حضور مصر و ایجاد ائتلاف‌های دریانوردی برای تأمین امنیت دریای سرخ، باب‌المندب و خلیج عدن، بستر نکته‌کلیدی دیگر در این امضا، تغییر جهت‌گیری‌های دیپلماتیک است؛ ترکیه و عربستان که یک دهه پیش در پرونده‌هایی مانند بحران لیبی یا تحولات مصر (پس از به قدرت رسیدن السیسی) در دو جبهه مقابل هم قرار داشتند و روابط شکننده داشتند، از سال ۲۰۲۱ فرآیند ترمیم روابط را آغاز کردند. اکنون، نگرانی‌های

ائتلاف نظامی جدید اسلامی چه پیامی برای تهران دارد؟

پیمان مکه و مناسبات تازه در منطقه

پس از ماه‌ها رایزنی‌های پشت پرده، به نوشته رسانه‌ها قرار است امروز در مکه رهبران عربستان، ترکیه و پاکستان یک پیمان دفاعی مشترک را امضا کنند که مهم‌ترین تحول دفاعی و نظامی منطقه در سال‌های اخیر محسوب می‌شود. هنوز جزئیات زیادی از محتوای این پیمان دفاعی منتشر نشده‌است، اما به نظر می‌رسد که امضا این توافق مشترک واکنشی به تحولات اخیر پس از حمله نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران، واکنش‌های دفاعی ایران و ناتوانی آمریکا در دفاع از کشورهای جنوب خلیج فارس، به ویژه عربستان سعودی باشد.



مشترک درباره جنگ غزه، دامنه حملات اسرائیل به لبنان، سوریه و ایران، و نیاز به ایجاد ثبات، این دو قدرت را در کنار پاکستان به نقطه اشتراک رسانده است.

بند دفاع متقابل؟

یکی از مهم‌ترین ابعاد فنی و حقوقی سند پیش‌رو، وجود یا عدم وجود بند «دفاع جمعی» (مشابه ماده ۵ پیمان ناتو) است که بر اساس آن، حمله به یک کشور،

حمله به هر سه کشور تلقی شود. منابع آگاه میبل ایست آی تأیید کرده‌اند که جزئیات دقیق مفاد نهایی هنوز تأیید نشده است. گنجانده شدن بند دفاع متقابل در متن توافق به این معنا است که حمله نظامی به هر یک از این سه کشور به معنای حمله به همه آنها تلقی خواهد شد. گنجانده شدن چنین بندی می‌تواند به معنای ورود ترکیه (به عنوان عضو اولیه و پاکستان (به عنوان قدرت هسته‌ای) به حمایت نظامی مستقیم از عربستان در صورت تشدید بحران‌های خلیج فارس باشد.

نسبت پیمان مکه با ایران

ارتباط این توافق با ایران دارای ابعادی پیچیده است که نمی‌توان آن را صرفاً در قالب یک بلوک یکپارچه علیه تهران تحلیل کرد:

جنبه موازنه و مهار: از دیدگاه عربستان سعودی، هدف اولیه این پیمان، ایجاد یک سد بازدارنده در برابر توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران و گروه‌های متحد آن است. ریاض با درک آسیب‌پذیری زیرساخت‌های نفتی و انرژی خود، به دنبال آن است که با تکیه بر فناوری ترکیه و بازدارندگی پاکستان، هزینه‌های هرگونه درگیری تلافی‌جویانه را برای ایران بالا ببرد.

رویکرد محافظه‌کارانه و تعدیل‌کننده پاکستان: بر خلاف تمایل ریاض برای ایجاد یک جبهه سخت علیه ایران، پاکستان خطا قرمزى پررنگ در مواجهه مستقیم با تهران دارد. اسلام‌آباد به دلیل داشتن مرزهای طولانی مشترک، چالش‌های امنیتی در بلوچستان، نیاز به ثبات مرزی و روابط انرژی، به هیچ وجه مایل نیست به عنوان ابزار نظامی علیه ایران شناخته شود. از این رو، حضور پاکستان می‌تواند مانع از تبدیل شدن این سند به یک پیمان صرفاً ضدایرانی شده و حتی

وحشت در کاخ سفید از کمبود تسلیحات

می‌کنند: اگر گزارش‌های کمبود مهمات کذب و ساختگی است، افشای چه چیزی «خیانت» محسوب می‌شود؟ و اگر این آمارها واقعیت دارد و قابلیت پیگرد قضایی دارد، پس ادعای پُر بودن انبارها بی‌اساس است. اگرچه سخنگوی کاخ سفید، کارولین لویوت، و سخنگوی پنتاگون، شان پاولز، درگیری لفظی ترامپ و هگست در کمپ دویدر را تکذیب کرده و ادعا می‌کنند ارتش همه چیز را در اختیار دارد، اما ترامپ روز پنج‌شنبه در پاسخ به این پرسش که «اگر کمبودی نیست چرا درخواست لایحه متوجه ۲۱ میلیارد دلاری داده شده؟» لحن خود را تغییر داد و اعتراف کرد: «ببینید، ما مقادیر فوق‌العاده زیادی سلاح به اوکراین دادیم. ما در برخی مهمات قدرت بی‌حدومرز داریم، اما در مورد برخی مهمات دیگر، اوضاع کمی تنگ‌تر و محدودتر است.»

پدیرش ریسک انسانی برای حفظ موشک‌ها؛ تاکتیک جدید پنتاگون

داده‌های به روز شده مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی (CSIS) نشان می‌دهد که ذخایر موشک‌های پاتریوت آمریکا بین ۷۵۹ تا ۸۲۷

تیر و موشک‌های تاد به حدود ۲۵۰ تیر سقوط کرده است.

کانال‌های دیپلماتیک را باز نگه دارد. روابط متوازن ترکیه: آنکارا اگرچه با ایران در برخی پرونده‌های منطقه‌ای رقابت دارد، اما همزمان روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود را با تهران حفظ کرده و اخیراً مواضع مشترکی در قبال حملات اسرائیل در منطقه اتخاذ کرده است. ترکیه از این توافق بیشتر به عنوان ابزاری برای نفوذ در خلیج فارس و توسعه بازار صنایع دفاعی خود بهره می‌برد.

بر جموع، این پیمان اگرچه توان بازدارندگی طرف‌های عربی را تقویت می‌کند، اما به دلیل تضاد منافع اعضا، بیشتر رویکردی ترکیبی از «موازنه هوشمند» و «کنترل سطح تنش» را دنبال خواهد کرد.

دورنمای موفقیت و چالش‌های پیش‌رو

ارزیابی افق آینده و میزان پایداری این توافق سه‌جانبه نشان می‌دهد که در کنار فرصت‌های بزرگ، چالش‌های ساختاری نیز پیش روی آن قرار دارد. عوامل تقویت‌کننده موفقیت: نیاز متقابل و شدید اقتصادی و امنیتی اعضا، مهم‌ترین عامل بقای این توافق است. عربستان برای عبور از وابستگی مطلق به آمریکا به توان نظامی و تسلیحاتی آنکارا و اسلام‌آباد نیاز دارد. در مقابل، ترکیه و پاکستان که با بحران‌های اقتصادی و نیاز مبرم به ارز خارجی مواجه هستند، سرمایه‌گذاری‌ها و تمکن مالی عربستان را یک شریان حیاتی می‌بینند. علاوه بر این، پیوند صنایع دفاعی رو به رشد ترکیه و پاکستان با بودجه‌های هنگفت خریدهای نظامی عربستان، بازار پایدار و پرسودی برای مجتمع‌های صنعتی-نظامی آن‌ها فراهم می‌کند.

چالش‌ها و موانع استراتژیک: اصلی‌ترین نقطه ضعف این پیمان، «واگرایی در ادراک تهدید» میان سه کشور است. عربستان تمرکز اصلی خود را بر ایران قرار داده است؛ در حالی که واشنگتن و تهدیدات برخاسته از هند، دغدغه حیاتی و شماره یک پاکستان به شمار می‌رود. ترکیه نیز محاسبات متکثر خود را دارد که شامل موازنه با اسرائیل در مدیترانه شرقی و مدیریت روابط با ناتو است. این عدم انطباق کامل در شناسایی «دشمن مشترک»، عملیاتی‌سازی تعهدات دفاع جمعی را با دشواری مواجه می‌سازد.

مارک کانسیان (Mark Cancian)، مشاور ارشد بخش دفاعی CSIS و مدیر سابق تخصصی بودجه دفاعی در کاخ سفید، در گفتگو با شبکه ام‌اس‌ناو ابعاد خطرات این کمبود را تشریح کرد: نبود جایگزین برای پدافند: «برای موشک‌های هجومی مثل تاماهاوک جایگزین‌هایی با برد کوتاه‌تر وجود دارد که البته خطر نزدیک شدن نیروها به هدف و تلفات انسانی را بالا می‌برد؛ بنابراین ما مجبور نیستیم به سمت ایرانی‌ها سنگ پرتاب کنیم؛ اما در مورد پدافند موشکی با تسلیک، واقعاً هیچ جایگزین عملی و قابل اتکایی وجود ندارد.» دست‌چین کردن اهداف (تغییر دکترین شلیک): «ارتش آمریکا ناچار شده تاکتیک شلیک خود را تغییر دهد و تعداد موشک‌های رهگیر پرداختنی به هر هدف را کاهش دهد. این یعنی ما مجبوریم ریسک‌پذیری را بالا ببریم؛ اگر موشک یا پهپاد ایرانی به سمت موضعی برود که تجهیزات یا نیروهای حیاتی ما در آنجا نیستند، پدافند به سمت آن شلیک نکرده و اجازه می‌دهد اصابت کند تا موشک‌ها برای اهداف حیاتی‌تر حفظ شوند.»

اخبار	
پاکستان:	
از مذاکرات عمان درباره تنگه هرمز حمایت می‌کنیم	
	
سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان با اشاره به تداوم تماس‌های نزدیک این کشور با همه ذینفعان مرتبط با تحولات منطقه‌ای گفت که اسلام‌آباد از مذاکرات عمان درباره تنگه هرمز حمایت می‌کند. به گزارش روز پنجشنبه خبرنگار ایرنا، «طاهر اندرابی» امروز در نشست خبری هفتگی خود در اسلام‌آباد با بیان این مطلب افزود: پاکستان همچنان با طرفین مذاکرات به ویژه پیرامون بن بست در تنگه هرمز در ارتباط است.	
وی با استناد به رایزنی تلفنی وزیر امور خارجه پاکستان با همتای ایرانی خود و دعوت از دکتر سیدعباس عراقچی برای سفر به اسلام‌آباد، تأکید کرد که ما از همه ابتکارات منصفانه برای کمک به توقف درگیری‌ها در منطقه حمایت می‌کنیم. سخنگوی وزارت خارجه پاکستان اعلام کرد که شهباز شریف نخست وزیر این کشور امروز عازم سفر رسمی به عربستان می‌شود. فرمانده ارتش پاکستان نیز شهباز شریف را در این بازدید همراهی خواهد کرد.	
وی اظهار داشت: نخست وزیر پاکستان علاوه بر مرور تحولات مرتبط با روابط دوجانبه و تعمیق همکاری‌های مشترک، درباره اوضاع منطقه‌ای با ولیعهد عربستان دیدار و گفت‌وگو خواهد کرد.	
اندرابی درباره مذاکرات پیرامون تنگه هرمز نیز گفت که پاکستان از نقش سازنده عمان برای کمک به تنش‌زدایی و ترویج همزیستی مسالمت‌آمیز حمایت می‌کند.	
وی درباره تحولات فلسطین و نشست قدس در اماه اندرابی در پاسخ به پرسشی گفت: پاکستان آمیدوار است که توافق درباره تنگه هرمز راه را برای ازسرگیری مذاکرات فنی میان ایران و آمریکا هموار کند و طرفین به تفاهم نامه اسلام‌آباد بازگردند.	
وی تصریح کرد: پاکستان به نقش آفرینی خود ادامه می‌دهد، میانجی‌گری یک روند کوتاهی نیست بلکه ما با سایر شرکا تلاش‌های هماهنگی را انجام می‌دهیم که اول از همه، راهکار برون رفت از بن بست تنگه هرمز دریافت شود.	
سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان در پاسخ به پرسشی درباره محاصره دریایی ایران از سوی آمریکا همزمان با تلاش تهران و مسقط برای توافق درباره تنگه هرمز، نیز گفت: اسلام‌آباد به دنبال کمک به حل و فصل مناقشه است ما به دنبال تعیین نوع بحران نیستیم.	
وی ادامه داد: محاصره یک نوع افزودن به بحران است، هدف قرار گرفتن ترددهای کشتیرانی در دریا یک نوع بحران است، بنابراین پاکستان درصد یافتن راهکار برون رفت از بحران است.	
سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان همچنین تأکید کرد که معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه این کشور دعوت‌نامه رسمی برای سفر به پاکستان را به همتای ایرانی و همچنین رئیس مجلس شورای اسلامی ایران تقدیم کرده است.	
واکنش پکن به موضوع همکاری با واشنگتن در زمینه امنیت	
پس از اظهارات مدیر افبی‌آی، پکن آمادگی خود را برای همکاری با واشنگتن در زمینه امنیت اعلام کرد.	
به گزارش ایسنا، وزارت امور خارجه چین پس از اظهارات کنش پاتل، مدیر افبی‌آی، مبنی بر تمایل خود برای گسترش همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با جرایم فراملی، تأکید کرد که پکن آماده تقویت گفت‌وگو و ارتباط با مقامات انتظامی ایالات متحده است.	
به گزارش صدی البلد، لین جیان، سخنگوی وزارت امور خارجه چین روز جمعه اظهار داشت که چین آماده همکاری با ایالات متحده در زمینه اجرای قانون «با روحیه برابری، احترام و منافع متقابل» است.	
اظهارات لین در پاسخ به اظهارات پاتل مطرح شد که گفته بود امیدوار است با چین و روسیه برای مبارزه با جرایم فراملی همکاری کند. وی افزود که مدل مشارکتی که افبی‌آی به دنبال توسعه آن در اجرای قانون است، می‌تواند با «تقریباً هر طرفی» اعمال شود.	



یک مقام کاخ سفید که خواست نامش فاش نشود نیز گفت: «مقامات دولت ترامپ به طور فزاینده‌ای پذیرفته‌اند که این جنگ احتمالا تا زمان انتخابات میان‌دوره‌ای به نوعی ادامه خواهد داشت. در برخی ایالت‌ها، رای‌گیری زودهنگام از ماه سپتامبر آغاز می‌شود.»

مخمصه‌ای که آمریکا در آن گرفتار شد

دوراهی ترامپ در جنگ با ایران

رئیس‌جمهور این کشور به طور فزاینده‌ای محدود می‌شود. با طولانی‌تر شدن این جنگ، رویکرد نیز راه‌حلی آبرومندانه برای خروج از این جنگ که پیش‌بینی کرده بود تا است و تحلیلگران می‌گویند که به نظر می‌رسد بیشتر این احتمال وجود دارد که خود رئیس‌جمهور آمریکا کسی باشد که بزرگترین مصالحه‌ها را انجام می‌دهد.

بازگشایی تنگه هرمز به عنوان پیش‌نیاز بازگشت به مذاکرات بین ایران و ایالات متحده تلقی می‌شود؛ مذاکراتی که دولت ترامپ می‌خواهد بر برنامه هسته‌ای ایران متمرکز شود.

با وجود همه این مسائل، این سؤال همچنان باقی است که آیا ایالات متحده آماده پذیرش هرگونه توافقی است که بین ایران و عمان، که در دو طرف مقابل تنگه قرار دارند، حاصل شود یا خیر.

یک منبع ارشد ایرانی و دو مقام منطقه‌ای نیز گفتند که شرایط پیشنهادهی به تهران این امکان را به ایران برای کنترل کشتی‌هایی که از طریق تنگه وارد خلیج فارس می‌شوند، ارائه می‌دهد. ترامپ گفته است که توافق برای بازگشایی این آبراه قریب‌الوقوع است، اما مقامات ایرانی گفته‌اند که جزئیات هنوز حل نشده است. حتی اگر توافقی بین ایران و عمان حاصل شود و مذاکرات آمریکا و ایران از سر گرفته شود، کارشناسان در مورد احتمال دستیابی به یک توافق نهایی صلب بر اساس تفاهم‌نامه‌ای که آمریکا و ایران در ماه ژوئن امضا کردند اما به سرعت از هم پاشید، تردید دارند.

حفظ محاصره بنادر ایران و تلافی دوره‌ای هرگونه حمله به کشتی‌ها خواهد بود. اما این رویکرد نیز راه‌حلی آبرومندانه برای خروج از این جنگ که پیش‌بینی کرده بود تا اواسط آوریل به پایان خواهد رسید، به او ارائه نمی‌دهد.

آرون دویود میلر، مذاکره‌کننده سابق خاورمیانه برای دولت‌های دموکرات و جمهوری‌خواه آمریکا معتقد است: «این فهرستی از گزینه‌های بد است، اما ترامپ ممکن است به این فهم رسیده باشد که نمی‌تواند اجازه دهد این جنگ بی‌پایان ادامه یابد. چیزی باید واگذار شود و آن گزینه ممکن است به رسمیت شناختن یک واقعیت جدید ایران در تنگه باشد.»

یک مقام آمریکایی که خواست نامش فاش نشود نیز در پاسخ به سوالات درباره وضعیت کنونی تنگه هرمز گفت که هرگونه مسیر کشتیرانی «موقت»، «بدون هیچ مانعی» خواهد بود و هیچ طرفی بر ترانزیت نظارت نخواهد کرد.

محدودیت در حمل و نقل

مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا اصرار داشته است که این آبراه حیاتی، باید یک آبراه بین‌المللی باز باقی بماند که توسط ایران کنترل نشود و عاری از عوارضی یا هزینه باشد اما ترامپ پیش از این برخی از ادعاهای روبیو در مورد جنگ را رد کرده است و تحلیلگران می‌گویند که او می‌تواند دوباره این کار را انجام دهد.

تحلیلگران می‌گویند با توجه به قیمت بالای بنزین در ایالات متحده، پایین بودن میزان محبوبیت ترامپ و نا محبوب بودن جنگ در بین مردم آمریکا، فضای مانور